

Optimal Political Participation and Its Pathology in the Islamic Republic of Iran

Ebrahim Mousazadeh

1. Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, mousazadeh@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article Article history: Received 2024/10/07 Accepted 2025/02/26 Keywords: <i>Elections,</i> <i>Parliamentary Rights,</i> <i>Political Participation,</i> <i>Vote.</i>	Political participation, while rooted in religious foundations, constitutes the most essential element for realizing republicanism. This study seeks to identify the optimal model of political participation and its legal, structural, and behavioral challenges in the Islamic Republic of Iran. The central question is: What legal, structural, and behavioral obstacles does the Islamic Republic face in achieving optimal political participation? Employing a descriptive-analytical method, the study examines the challenges of political participation in legislative, structural, and agency dimensions. The realization of political participation aligned with the standards of the Islamic Republic encounters obstacles in these three areas. The most significant legal and structural challenges include the absence of a comprehensive and effective law, the reductionist role of political parties, the decline of elite capital, budget dependency on oil revenues, and the lack of meritocracy. Additionally, the neglect of citizens' intellectual education in fostering political participation and the substitution of optimal political engagement with maximal electoral turnout represent the most detrimental behavioral and agency-related perspectives that hinder political participation in the Islamic Republic.

Cite this article: Mousazadeh, Ebrahim (2025). Optimal Political Participation and Its Pathology in the Islamic Republic of Iran. *Religion and Law*, 46 (12), 11-40.



©Ebrahim Mousazadeh.

Publisher: Islamic Research

Center of Parliament of I.R.IRAN. <https://doi.org/10.225/qjrl.2025.340.1029>

مشارکت سیاسی مطلوب و آسیب‌شناسی آن در جمهوری اسلامی ایران

ابراهیم موسی زاده

۱. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، mousazadeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷	مشارکت سیاسی ضمن برخورداری از مبانی دینی؛ اصلی‌ترین عنصر تحقق جمهوریت است. این نوشتار در پی شناسایی الگوی مطلوب مشارکت سیاسی و آسیب‌های قانونی، ساختاری و رفتاری آن در جمهوری اسلامی ایران است. پرسش اصلی آن است که جمهوری اسلامی برای تحقق مشارکت سیاسی مطلوب با چه آسیب‌های قانونی، ساختاری و رفتاری مواجه است؟ بدین منظور با روش توصیفی-تحلیلی به آسیب‌های مشارکت سیاسی در ساخت‌های تقنین، ساختار و کارگزار پرداخته شد. عینیت یافتن مشارکت سیاسی تراز جمهوری اسلامی ایران، با آسیب‌هایی در این سه حوزه مواجه است. مهم‌ترین آسیب‌های حوزه تقنین و ساختار را می‌توان فقدان قانون جامع و کارآمد، تقلیل‌گرایی در کارکرد احزاب، کاهش سرمایه‌نخبگی، وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و عدم شایسته‌سالاری دانست. افزون بر آن، غفلت از نقش تربیت فکری شهروندان در ایجاد مشارکت سیاسی و جایگزینی مشارکت سیاسی مطلوب با شرکت حداکثری در انتخابات از مهم‌ترین بیش‌ها و گرایش‌های آسیب‌زای رفتاری و کارگزاری است که مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی از آن رنج می‌برد. واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، رأی، حقوق پارلمان، انتخابات.

استناد: موسی زاده، ابراهیم (۱۴۰۳). مشارکت سیاسی مطلوب و آسیب‌شناسی آن در جمهوری اسلامی ایران. *دین و قانون*، ۴۶ (۱۲)، ۴۰-۱۱.



ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران. © نویسنده: ابراهیم موسی زاده

<https://doi.org/10.225/qjrl.2025.340.1029>

۱. مقدمه

«مشارکت سیاسی» از مهم‌ترین مفاهیم در دانش حقوق عمومی است و به آن دسته از فعالیت‌های شهروندان اطلاق می‌شود که افراد از طریق آن در پی تأثیرگذاری در حکومت و حکمرانی یا حمایت از آن برمی‌آیند. (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶، ب، ص ۱۲) این مفهوم، دامنه وسیعی از فعالیت‌های سیاسی شهروندان، از علاقه به حکمرانی، بحث درباره انتخابات و انتقال قدرت، حضور در اجتماعات سیاسی و رأی‌دادن تا عضویت در احزاب، رقابت‌های انتخاباتی و تصدی مقام سیاسی و نظارت بر حکومت را در بر می‌گیرد. کارویژه اصلی «مشارکت سیاسی» برقراری ارتباط دوطرفه میان مردم و حکومت با حضور گسترده آنان در صحنه سیاسی و اجتماعی است (عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۶) که می‌تواند به همدلی مردم و حکومت منتهی شود. درک این مفهوم به معنای صحیح آن (با توجه به مبانی و الزامات) و در نهایت، تلاش جهت ایجاد و حفظ آن، تضمین‌کننده بقا یک حکومت و نیل به اهداف و سیاست‌های آن خواهد بود.

نظام «جمهوری اسلامی ایران» که ثمره انقلاب شکوهمند ملت مسلمان ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) است، از این قاعده مستثنا نیست و در استقرار و استمرار، همواره از مشارکت سیاسی فعالانه ملت مسلمان ایران بهره‌مند بوده است. امام خمینی (قدس سره) به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، نقش حضور و مشارکت مردم در پیروزی این انقلاب را بسیار حیاتی دانسته و در جای‌جای سخنانشان بر این مهم تأکید کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۹، ص ۵۸) همچنین ایشان رمز بقای انقلاب را «همان رمز پیروزی» یعنی «اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه و با انگیزه الهی» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۷۶) دانسته و هشدار داده‌اند که «علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست، بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد.» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۸۷) لازمه حفظ و تقویت این نقطه قوت، تبیین دقیق ابعاد، الزامات و وضعیت مطلوب مشارکت سیاسی از نگاه قوانین و هنجارهای حقوقی - سیاسی و شناسایی موانع و آسیب‌های احتمالی برای تحقق

مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که این مهم، هدفی است که این پژوهش دنبال می‌کند.

نگارش‌های متعددی درباره مشارکت سیاسی صورت گرفته است. اغلب آن‌ها با نگاه غیربومی به بررسی موضوع پرداخته‌اند (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶؛ واینر، ۱۳۸۰) و طبعاً صلاحیت و توانایی پاسخگویی به مسائل نظام سیاسی بومی را ندارند. همچنین رد پای مبانی اندیشه غربی در آثار نگاشته شده توسط برخی نگارندگان مسلمان نیز به وضوح دیده می‌شود. (کدیور، ۱۳۷۷) در فضای دینی اصیل نیز پژوهش‌هایی درباره مشارکت سیاسی انجام شده است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷) که این پژوهش‌ها غالباً در شمارش بسترهای مشارکت سیاسی در اسلام (بیعت، اطاعت، نظارت، نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و...) متوقف شده‌اند. البته در برخی پژوهش‌ها شاخص‌ها و نماگرهای مشارکت سیاسی در اسلام با تفصیل بیشتری مطرح شده است. (خلوصی، ۱۳۹۵)

در بررسی و ارزیابی مشارکت سیاسی در ایران اسلامی نیز آثاری نگاشته شده است (عیوضی، ۱۳۸۵ ب) که علاوه بر آن که چندان مستظهر به مبانی مشارکت سیاسی در اسلام نیستند، در ارزیابی مشارکت سیاسی به رصد میزان مشارکت در انتخابات بسنده کرده و سایر اشکال گوناگون مشارکت سیاسی که چه‌بسا هیچ تجلی در انتخابات ندارند را به بهانه محدودیت اطلاعات و آمار واگذارده‌اند. همچنین موانع شکل‌گیری مشارکت سیاسی مطلوب، عموماً و به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران در این آثار مورد غفلت قرار گرفته است و تنها در آثار محدودی با گفتمان رایج غرب، به این مهم پرداخته شده است. (قادری، ۱۳۷۷) مهم‌ترین کاستی‌های آثار پیش‌گفته در این است که:

- در تبیین و ارزیابی مشارکت سیاسی، کمتر به مبانی نظری آن در اسلام توجه شده است.
- وضعیت مطلوب مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی چندان مورد توجه نبوده است.
- جایگاه مشارکت سیاسی در کلام امام و رهبری و همچنین در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی که نقش مهمی در بررسی و ارزیابی و نهایتاً آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش‌های محدودی نیز در زمینه «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران» انجام شده است (عیوضی، ۱۳۸۵ الف؛ شبان‌نیا، ۱۳۹۰؛ همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، ۱۳۷۹) که رویکرد بهتری به بحث و به‌ویژه ضرورت آن می‌دهند؛ گرچه هیچ یک بر موضوع «مشارکت سیاسی» تمرکز ندارند.

در نهایت با توجه به نکات پیش گفته کمتر می‌توان به پژوهشی جامع و مستقل که در صدد «آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» بوده و موانع شکل‌گیری مشارکت سیاسی مطلوب در جمهوری اسلامی را در ابعاد مختلف بررسی کند، دست‌یافت. برای رسیدن به این مقصود، با روش تحلیلی-توصیفی ابتدا اشاره‌ای به مفهوم مشارکت سیاسی داشته و در گام بعد با روش انتقادی به شناسایی آسیب‌های مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در ساحت‌های تقنین، ساختار و کارگزار پرداخته خواهد شد.

۲. مشارکت سیاسی

«مشارکت» در لغت برگرفته از واژه عربی «شراکه» و به معنای شریک‌شدن، دخالت‌کردن، دست‌اندرکاری و درگیرشدن است. (آریان‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۶۱؛ آشوری، ۱۳۷۴، ص ۲۶۳) در اصطلاح علوم اجتماعی، مشارکت به معنای دخالت مردم در امور اجتماعی و اداره جامعه است؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲) این امر می‌تواند به اشکال و درجات گوناگونی نظیر تعاون، همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد و یا شیفستگی تجلی پیدا کند. (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶)

واژه «سیاست» در زبان فارسی و عربی تقریباً به یک معنا استفاده می‌شود: حکم‌راندن بر رعیت، حکومت و ریاست و داوری، مصلحت، تدبیر و دوراندیشی. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۲۲۲۵؛ رامپوری، ۱۳۶۳، ص ۴۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۴۲۹) سیاست، از مفاهیم کلیدی علوم انسانی است که اندیشمندان علوم سیاسی به دلیل وجود ابهام در محتوا و مؤلفه‌ها و پیش‌فرض‌های آن، در مورد آن اجماع نظر نداشته و تعاریف متعددی را برای آن ذکر کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را چنین خلاصه کرد: کسب و حفظ قدرت، مطالعه دولت، مدیریت و تصمیم‌گیری و تدبیر معطوف به هدایت. (مقیم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷) بر اساس

تعریف اخیر، سیاست حاصل خدماتی است که حاکم در جهت نشر فضائل و اخلاق و به منظور رسیدن به سعادت انجام می‌دهد. (فارابی، ۱۴۲۱، ص ۱۰۳) امام خمینی (ره) سیاست انسانی را از سیاست حیوانی و شیطانی تمییز می‌دهد. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۴۳۲) بر این اساس، سیاست انسانی از هرگونه خدعه و نیرنگ و دروغ مبراست؛ به تأمین نیازهای مادی جامعه پسندیده نمی‌کند و خود را متکفل تحقق ارزش‌های الهی می‌داند.

ترکیب واژگانی «مشارکت» و «سیاست» در قالب «مشارکت سیاسی» از جایگاه مهمی در حقوق عمومی و علم سیاست برخوردار بوده و نگاشته‌های زیادی را در این حوزه به خود اختصاص داده است. با این وجود، ماهیت مشارکت سیاسی، مصادیق و انگیزه‌های آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و اتفاق آراء یا نظریه غالبی قابل رصد نیست. با صرف نظر از مرور تعاریف متعدد ذکر شده برای مشارکت سیاسی که به‌رغم شباهت‌ها، ویژگی‌های متمایزی را برای آن لحاظ می‌کنند، مراد از مشارکت سیاسی در این پژوهش، هر رفتاری از سوی شهروندان است که به‌نوعی در زمامداری و حکومت اثر بگذارد.

مایکل راش سلسله‌مراتب ده‌گانه ذیل را برای مشارکت سیاسی ترسیم کرده است: «رأی‌دادن، علاقه اندک به سیاست، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و...، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، جستجوی مقام سیاسی یا اداری و در آخر، تصدی مقام سیاسی یا اداری» (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶) در این دیدگاه، برخی از سطوح مشارکت با وجود اهمیت و نیز میزان بالای تاثیرگذاری، مورد غفلت قرار گرفته که عبارتند از «نظارت و تلاش در جهت اصلاح نظام سیاسی» و نیز «دعوت به خیر و نصیحت زمامداران».

حلقه اتصال مشارکت‌کننده به موضوع مشارکت، انگیزه‌های او و عواملی است که منجر به تحقق مشارکت با شیوه، شدت و کیفیت خاص می‌شود. البته هیچ نظریه کلی که همه یا اغلب عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی را در برداشته باشد، مطرح نشده است؛ (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۹۳) چرا که مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که به متغیرهای

فراوان و دارای وزن‌های نسبی متفاوت، وابستگی دارد. با این وجود میلبرث و گونل تلاش کرده‌اند این عوامل را ذیل چهار عنوان دسته‌بندی کنند: محرک‌های سیاسی، عوامل شخصیتی، پایگاه اجتماعی و متغیرهای محیطی. (میلبرث و گونل، ۱۳۸۶) مایکل راش سه عامل مهارت‌ها، منابع و تعهد را نیز به عوامل فوق می‌افزاید. (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵) به نظر می‌رسد می‌توان همه عوامل فوق را به دو دسته متغیرهای درونی (بینشی و انگیزشی) و متغیرهای بیرونی (محیط، ساختارها و شرایط اجتماعی و سیاسی) تقسیم کرد. مجموعه این عوامل، شکل‌دهنده رفتار سیاسی و تعیین‌کننده شیوه، شدت و کیفیت مشارکت سیاسی فرد خواهد بود.

۳. آسیب‌شناسی قانونی و ساختاری

این قسمت به بررسی آسیب‌های قانونی و ساختاری اختصاص دارد:

۱-۳. فقدان قانون کارآمد و پیچیدگی سازوکارهای مشارکت

فرسوده و به‌روز نبودن قوانین انتخاباتی، فقدان تعریف مشخص از مفاهیم کلیدی و تأثیرگذار قوانین انتخابات، مشخص نبودن دقیق حوزه اجرا و نظارت، پیچیدگی، پرهزینه بودن و خارج از دسترس بودن مجراها و سازوکارهای مشارکت سیاسی، آفتی است که انگیزه شهروندان مشارکت‌جو را خاموش کرده و آن‌ها را از مشارکت سیاسی منصرف می‌سازد. فرایندی که ساختار نظام سیاسی برای جریان جلوه‌های گوناگون مشارکت سیاسی، اعم از نظارت بر کارگزاران و ارشاد و بازخواست آن‌ها و نیز دخالت در تصمیم‌گیری‌ها، در نظر گرفته است، باید در نهایت سادگی و کم‌هزینه‌بودن و درعین حال، پرنفوذ، کارا و تأثیرگذار باشد.

راهکارهای متنوعی را می‌توان برای ایجاد سهولت در هر یک از جلوه‌های مشارکت سیاسی، در نظر گرفت. به‌عنوان نمونه، مخفی نبودن آراء و تصمیمات کارگزاران و در دسترس بودن گزارش به‌روز از عملکرد آن‌ها، مشارکت شهروندان در نظارت بر عملکرد مسئولین را تسهیل می‌کند. همچنین ارتباط مستقیم مسئولین با مردم و وجود سامانه‌های ثبت شکایات، انتقادات و پیشنهادهای عمومی، انگیزه بیشتری برای ارشاد و بازخواست کارگزاران به شهروندان می‌دهد.

میزان مشارکت در انتخابات نیز به عنوان مهم ترین مجرای دخالت مردم در تصمیم گیری ها، تا حد زیادی متأثر از قوانین و سازوکارهایی است که در برگزاری انتخابات لحاظ می شود. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۶۲) اتخاذ تدابیری چون انتخاب زمان مناسب برای رأی گیری، فراوانی و گستردگی حوزه های اخذ رأی، ثبت رایانه ای رأی با کمترین معطلی، حضور صندوق رأی سیار در بیمارستان ها و مناطق صعب العبور و... شرکت در انتخابات را آسان تر می سازد. همچنین نیازمند مؤلفه هایی برای رفع سردرگمی شهروندان و تسهیل در شناخت داوطلبان و گزینش میان آنها هستیم که از باب نمونه مواردی را ذکر می کنیم: بررسی صلاحیت های اولیه داوطلبان پس از ثبت نام، وجود فضای رقابتی سالم، برخورداری داوطلبان از برنامه های شفاف و صریح و هر چه کمتر بودن تعداد داوطلبانی که هر شهروند باید به آنها رأی دهد.

۲-۳. تقلیل گرایی در کارکرد احزاب

متفکران جامعه شناسی سیاسی کارویژه های مختلفی را برای احزاب ذکر کرده اند. احزاب در هر جامعه ای می توانند در زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی، بر اساس گستردگی و توانایی تشکیلاتی خود، در کنار دیگر نهادهای دولتی و مردمی ایفای نقش کنند. احزاب دارای کارویژه های متنوع اجتماعی، آموزشی، ارتباطاتی و نظارتی بوده و در افزایش آگاهی عمومی، بسیج اجتماعی و جامعه پذیری افراد، نقش مؤثری دارند. احزاب باید به عنوان نماینده بخش هایی از شهروندان، عهده دار نظارت بر حکومت، ارشاد و بازخواست کارگزاران و مطالبه گری از آنها شوند و می توانند این مطالبات را تا مرحله تبدیل به تصمیم، قانون و اجرا پیگیری کنند. (درویشی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۲)

همچنین احزاب سیاسی می توانند به عنوان ابزار جلب مشارکت مردمی در قالب انتخابات و به جریان انداختن قوانین مربوط به آن و هر چه بیش تر ملموس و عملی شدن این قوانین بسیار مفید باشند. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۲۴۱) احزاب سیاسی مستقل و فعال می توانند به شکل سازمان یافته، منسجم و مسالمت آمیز، مجراهای مفیدی برای انتقال خواسته های مردم به حکومت کنندگان باشند و با کمک به رشد آگاهی و افزایش مسئولیت پذیری، مشارکت سیاسی را به جریان اندازند. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۲۴۸) از این جهت می توان احزاب

سیاسی را به‌عنوان رکن اصلی و اساسی در ایجاد و تداوم انگیزه‌های مشارکت سیاسی شهروندان به حساب آورد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر آزادی فعالیت احزاب، تا جایی که ناقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نباشد، تصریح کرده است. (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) در عین حال در مقام عمل، صرفاً بر کارویژه انتخاباتی احزاب، تاکید و تمرکز شده است. فعالیت اکثر احزاب به نقش‌آفرینی در تقسیم قدرت تقلیل یافته که آن هم به صورت رقابتی کوتاه و مقطعی در دوره انتخابات جلوه می‌یابد. نتیجه چنین کارکرد محدودی، مبهم بودن اهداف و برنامه‌های احزاب، عدم استقلال مالی و حتی دولتی بودن آن‌ها، (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۲۴۳) عدم ارتباط مستحکم با بدنه اجتماع و بروز ائتلاف‌ها و انشعاب‌های متعدد، مقطعی، پی‌درپی، مبهم و بی‌حاصل است.

چنین عملکردی نه تنها به ناکارآمدی احزاب در آگاهی‌بخشی سیاسی و سایر وظایف و کارکردهایشان می‌انجامد، بلکه نسبت به جذب و گسترش مشارکت سیاسی شهروندان، بسیار آسیب‌زا است. تحمیل فشارهای روانی ناشی از رفتار احزاب و قدرت‌طلبی آن‌ها به آحاد جامعه، سبب سردرگمی و دل‌زدگی آن‌ها شده و زمینه بی‌اعتمادی عمومی را فراهم می‌آورد. ارزیابی شهروندان از چنین عملکردی این خواهد بود که کرسی‌های قدرت، نه برای خدمت به مردم و جامعه، بلکه برای رسیدن به سود و منافع حزبی، دست‌به‌دست می‌شود. این ارزیابی، کاهش حضور پای صندوق‌های رأی و در نتیجه آسیب‌دیدن مصداق حداقلی مشارکت سیاسی شهروندان می‌شود.

۳-۳. وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی

شاید بتوان ادعا کرد برجسته‌ترین آسیبی که مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در ساحت ساختار با آن مواجه است، تحصیلدار بودن دولت و وابستگی کامل بودجه آن به درآمدهای حاصله از فروش نفت است.

در دقیق‌ترین و کامل‌ترین تعریف، دولت تحصیلدار یا رانتیر دولتی است که مقادیر قابل‌توجهی از رانت‌های خارجی را به شکل منظم دریافت می‌کند. (Beblawi & Luciani, 1987, p 11) ویژگی‌های عمده دولت تحصیلدار از این قرار است: ۱. درآمد رانتی بخش عمده درآمد کشور را تشکیل می‌دهد. میزان شاخص در این مورد ۴۲٪ در نظر گرفته شده است. ۲. این درآمدها هیچ‌گونه ارتباطی به فرایندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور ندارد و کاملاً از خارج کشور تأمین می‌شود. ۳. درصد بسیار اندکی از نیروی کار کشور درگیر تولید این درآمد می‌باشند و برعکس، دریافت‌کننده این درآمد، اکثریت افراد جامعه هستند. ۴. دولت، دریافت‌کننده اصلی این درآمد است و در هزینه کردن آن نیز نقش اساسی دارد. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۳)

تحصیلدار بودن دولت، آثار و عواقب متعددی بر حوزه‌های مختلف از جمله رابطه میان دولت و شهروندان و مشارکت سیاسی آن‌ها دارد. دولت در سایه دریافت رانت‌ها از خارج (با فروش نفت یا هر ماده خام دیگر) به استقلال مالی رسیده و به منابع داخلی نظیر مالیات‌ها و عوارض، احساس نیاز نمی‌کند. (میرترابی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷) در پی این استقلال مالی و بی‌نیازی از اموال شهروندان، دولت‌ها معمولاً به جای آن که مردم و نهادهای مدنی را به عنوان بازوی کمکی و مکمل خود در نظر گرفته و در اداره امور شریک کنند، آن‌ها را مزاحم تلقی کرده و جایگاهشان را به زینت‌المجالس تقلیل می‌دهند. بالاتر از همه این‌ها برخی محققین شعار «عدم دریافت مالیات، در مقابل عدم وجود نمایندگی» را جزء اساسی رانتیرسم دانسته‌اند که بر اساس آن، دولت تحصیلدار اساساً خود را نماینده مردم و پاسخگو در برابر آن‌ها نمی‌داند. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴)

از سوی دیگر، شهروندان در دولت تحصیلدار، معمولاً نه تنها هیچ تصویری از مشارکت و تعاون در تأمین هزینه‌های حکومت با پرداخت مالیات و عوارض و... ندارند، بلکه بهره‌مندی از درآمدهای خدادادی و بادآورده دولت را حق مسلم خود دانسته و آن را در قالب خدماتی چون یارانه نقدی و غیرنقدی، درمان رایگان، آموزش رایگان و غیره دریافت می‌کنند. چنین شهروندانی توقعی از دولت جز سهم‌شدن در مصرف رانت ندارند.

۴-۳. فقدان یا کاهش سرمایه نخبگی

کانون‌های نخبگی از مهم‌ترین عوامل و نیروهای اجتماعی به شمار می‌آیند (ازغندی، ۱۳۷۶، ص ۷) که از اهمیت و اثربخشی زیادی در جهت‌دهی به مشارکت سیاسی شهروندان برخوردارند. نخبگان سیاسی کسانی هستند که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم در موضوعات حکومتی و امور سیاسی سهم قابل ملاحظه‌ای دارند. آن‌ها بخش اصلی قدرت حاکم‌اند که رفتار سیاسی‌شان حوزه وسیعی از جامعه ایران را تحت سلطه و تأثیر خود قرار می‌دهد. (همان، ص ۱۷) و بخش چشمگیری از تهییج افکار عمومی و بسیج جامعه برای مشارکت سیاسی و حضور در پای صندوق‌های رأی، نتیجه و برآیند فعالیت آن‌ها است.

هم‌چنان که بهره‌مندی نظام سیاسی از سرمایه نخبگی مناسب، آن را در پیشبرد اهداف و نیل به آرمان‌ها موفق می‌دارد، آسیب دیدن این سرمایه، معضلات گوناگونی را در پی دارد که در ادامه به برخی از نتایج و پیامدهای آن در حوزه مشارکت سیاسی می‌پردازیم.

ریزش نخبگان و یا ازدست‌رفتن آن‌ها، به کم‌حجم شدن سرمایه نخبگی می‌انجامد. در چنین شرایطی چهره‌های تکراری، ادعاهای تجربه شده و نخبگانی که پیش‌تر مورد آزمایش اجتماعی قرار گرفته‌اند، در دوره‌های گوناگون انتخابات به صحنه می‌آیند. (نظیر آنچه در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری شاهد آن بودیم.) این چهره‌ها و نخبگان تکراری با ایده‌های تکراری، توان لازم را برای جذب افکار عمومی ندارند. (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱ و ۱۹۲)

بخش عظیمی از نخبگان از ماهیت و کیفیت رفتار شهروندان، درک عمیقی نداشته و نیز در تصمیم‌گیری‌های حکومتی ناتوان‌اند. این گروه با اظهارات و اقدامات نسنجیده خود، اسباب دل‌سردی و دلزدگی شهروندان از نظام اسلامی را فراهم ساخته و اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کنند.

گروه دیگری از نخبگان گرچه دارای قدرت بالایی در بسیج اجتماعی هستند، اما رویارویی و کشمکش آن‌ها با نظام سیاسی، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، خاموشی آن‌ها و عدم ابراز حمایت و پشتیبانی از نظام را در پی دارد که به بی‌تفاوتی و عدم مشارکت شهروندان تحت نفوذ آن‌ها می‌انجامد. احتمال دیگر، معارضة علنی و مستقیم نخبگان مذکور با نظام جمهوری

اسلامی است که بروز مشارکت سیاسی منفی و سلبی، نظیر تحریم انتخابات و یا ایجاد آشوب و اغتشاش را در پی خواهد داشت.

برای درامان ماندن مشارکت سیاسی شهروندان از چنین آسیب‌هایی، نظام اسلامی باید سازوکارهای مشخصی برای شناسایی، پرورش، گزینش و پایش نخبگان سیاسی در پیش گرفته و رویکردی ملی، فراجناحی و حاکمیتی نسبت به این مقوله راهبردی اتخاذ کند. مروری بر ترکیب دولت‌ها و کابینه‌ها، بررسی ادوار مجلس شورای اسلامی و تأملی بر زمینه‌های روی کار آمدن نخبگان سیاسی و وضعیت موجود نخبه‌پروری، نشان می‌دهد که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، الگوی تعریف‌شده و روشمندی برای شناسایی و پرورش نخبگان سیاسی به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی وجود نداشته است. (رک: انصاری و برزگر، ۱۳۹۳)

۳-۵. عدم شایسته‌سالاری

در نظام‌های سیاسی امروز، خصوصاً دموکراسی‌های غربی، قدرت سیاسی از ثروت اقتصادی نشئت می‌گیرد. به عبارت دیگر، نزدیک‌ترین راه رسیدن به مقام و قدرت، بهره‌مندی از ثروت و کاربست آن است. این واقعیت را می‌توان از ورای هزینه انجام شده در رقابت‌های انتخاباتی رصد کرد. در این حکومت‌ها شعار، «حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش» فریبی بیش نیست. حاکمیت از آن اقلیتی ثروتمند است که می‌تواند نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ را خریده و در پرتو تبلیغات، عقاید و افکار دیگران را در مسیر منافع و خواست خود، قرار دهد. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴ تا ۱۴۷)

البته مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی به دست‌به‌دست شدن مناصب حکومتی منجر می‌شود، اما تغییر چندانی در سیاست‌ها پدید نمی‌آورد؛ زیرا صاحبان قدرت و ثروت همچنان بر جای می‌مانند. در این حالت، شهروندان بین انتخاب‌های گوناگون پیش‌روی خود، تفاوت برجسته‌ای احساس نمی‌کنند. در نگاه آن‌ها، نامزدهای انتخاباتی و احزاب، برنامه‌ای حقیقی برای ارائه به مردم ندارند و پس از برگزاری انتخابات، این نظر گروه‌های قدرت و ثروت است که دنبال می‌شود؛ بنابراین به تحولات سیاسی و اجتماعی

جامعه، اهمیت چندانی نشان نداده و مشارکت در سیاست، از جمله شرکت در انتخابات و پیگیری نتیجه آن، دغدغه آن‌ها نخواهد بود. (دال، ۱۳۶۴، ص ۱۳۵) بدین ترتیب عدم شایسته‌سالاری و انحصار قدرت در دست صاحبان ثروت، تأثیر عمیقی بر مشارکت سیاسی شهروندان گذاشته و می‌تواند به عنوان آسیبی برای مشارکت سیاسی در نظر گرفته شود.

در ایران پیش از انقلاب نیز نقش قدرت و ثروت، تعیین‌کننده بوده است. در این دوره، طبقاتی چون طبقه اشراف، طبقه فرودست و طبقه متوسط که شامل طبقه متوسط سستی و طبقه متوسط جدید می‌شد، قابل تفکیک بودند. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۹۸) خانواده‌های معروف به «هزار فامیل» عملاً قدرت اصلی را در اختیار داشتند. بیشتر مناصب دولتی در اختیار خاندان اشراف و زمین‌داران یا وابستگان آن‌ها بوده و بین آن‌ها دست‌به‌دست می‌شد. صاحبان قدرت حتی در قوانین نیز از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند. (ازغندی، ۱۳۷۶)

با پیروزی انقلاب اسلامی، طبقه‌بندی‌ها و مرزبندی‌های اجتماعی بر هم خورد و دیگر نمی‌شد مرزبندی مشخصی برای ساخت طبقاتی در جامعه ایران در نظر گرفت (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۹۸) و از آنجاکه تنها ملاک تصدی مناصب در حکومت اسلامی، شایستگی حقیقی است که از تعهد و توانایی فرد نشئت می‌گیرد، معیارهایی چون نژاد، قدرت و ثروت، دخالتی در رسیدن افراد به مسئولیت‌ها نداشت. به تدریج و رسیدن جامعه به امنیت و ثبات نسبی و توجه به رشد اقتصادی، مجدداً پایه‌ها و ارکان طبقه‌بندی اجتماعی، بر اساس قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی شکل گرفت. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۹۹) استفاده از کلماتی چون طبقه بالا، طبقه پایین و طبقه متوسط رواج یافت. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۲۰۳) البته این امر به معنای رسوخ سرمایه‌داری به ساختار و سازوکارهای انتقال قدرت در ایران اسلامی نیست؛ اما این بدین معنا نیست که ما نباید نسبت به این مسئله هوشیار باشیم.

خطر انحصار حکومت در دست صاحبان ثروت، همچنان جامعه ما را تهدید می‌کند. چنان که همواره در فرایند انتخابات، برخی آثار منفی اقدامات صاحبان ثروت را در جهت تأثیرگذاری بر رأی مردم، مشاهده می‌کنیم. (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۹۷) بنابراین مشارکت سیاسی در جامعه ما در معرض ابتلا به همان آفتی قرار دارد که غرب از مدت‌ها پیش به آن دچار شده است.

برای جلوگیری از عوارض منفی دخالت ثروت در قدرت، باید همه نهادها در تبیین جایگاه مردم سالاری و نفی هرگونه طبقه‌بندی اجتماعی که زمینه‌ساز انحصار ثروت و قدرت باشد بکوشند. از سهل‌ترین و درعین حال کارآمدترین راهکارها برای گذر از آسیب فوق، این است که منابع مالی هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان مناصب مختلف، بررسی شده و در معرض اطلاع عموم مردم قرار گیرد. (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۷۸) رسانه ملی نیز می‌تواند با افزایش ویژه‌برنامه‌های انتخاباتی (خصوصاً در شبکه‌های استانی و برای انتخابات مجلس شورای اسلامی) فرصت کافی و رایگان در اختیار نامزدهای انتخابات قرار دهد تا بتوانند برنامه‌های خود را به بهترین نحو به مردم ارائه دهند و پیروزی افراد در انتخابات، الزاماً نیازمند صرف هزینه‌های گزاف تبلیغاتی و وام‌دار شدن به کانون‌های ثروت نباشد.

۴. آسیب‌شناسی رفتاری و کارگزاری

۴-۱. آسیب‌شناسی بینش‌ها و گرایش‌های کارگزاران در مشارکت سیاسی

شیوه، شدت و کیفیت مشارکت شهروندان در سیاست، تا حد زیادی وابسته به عملکرد مسئولین و کارگزاران حکومتی است که ریشه در بینش‌ها و گرایش‌های آنان دارد. بدین ترتیب می‌توان بینش‌ها و گرایش‌هایی را برشمرد که وجود آن‌ها در کارگزاران ایران اسلامی، می‌تواند آنان را در ادای وظیفه زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی شهروندان، ناکام گذاشته و در نتیجه مشارکت سیاسی و تعامل فعال و مطلوب شهروندان با نظام جمهوری اسلامی را با چالش مواجه سازد. در ادامه به برجسته‌ترین مصادیق این بینش‌ها و گرایش‌ها می‌پردازیم.

الف. نگاه ملوکانه به مردم و سیاست

بنیادی‌ترین بینشی که وجود آن در زمامدار، تحقق مشارکت سیاسی مطلوب در جامعه را تهدید می‌کند، این است که وی امتیاز خاصی نسبت به مردم برای خود قائل باشد، مردم را برای حکومت و خود را آقا و مالک و صاحب‌اختیار مردم و برتر از آنان بداند. چنین فردی به هیچ وجه تلقی صحیحی از مشارکت سیاسی و تعامل مردم با حاکمیت نخواهد داشت.

این در حالی است که در اندیشه دینی، حکومت صرفاً وسیله‌ای برای تحقق رسالت دین یعنی نیل انسان به سعادت و کمال و مرتبه خلافت الهی بوده و اساساً فی‌نفسه ارزشی ندارد. حقوق متقابل شهروندان و حکومت، مهم‌ترین حقوقی که مردم بر یکدیگر دارند ارزیابی شده

(شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۳۳) و ارزشمندی حکومت در گرو انجام تکالیف خود در برابر این حقوق است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از خیرخواهی درباره مردم جامعه، تنظیم و فراهم نمودن بیت‌المال برای تهیه معیشت سالم آن‌ها، تعلیم آن‌ها برای رهایی از جهل، و تأدیب و تربیت شهروندان. (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۷۹)

بر همین اساس، در نظام جمهوری اسلامی ایران، کارگزاران، نوکر ملت‌اند نه آقای ملت، (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۲۲۶) در خدمت مردم و پاسبان و مسئول در برابر آن‌ها هستند نه این که مردم به آن‌ها متعلق باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۴۴۹) و هیچ‌گونه امتیازی بر مردم نداشته و امتیاز آن‌ها در نزد خدا، در سلب امتیازی است که باید از خود در برابر مردم انجام دهند. (جعفری تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۰) برخورداری کارگزار از چنین بینشی، به او انگیزه لازم برای زمینه‌سازی جهت ایجاد و گسترش مشارکت سیاسی شهروندان و به شهروندان انگیزه لازم برای اعتماد، همدلی و تعامل با حکومت را می‌دهد.

ب. گرایش منفعت‌طلبانه به مشارکت سیاسی

آنچه حکومت در مشارکت سیاسی دنبال می‌کند، تعیین‌کننده شدت و کیفیت اهتمام آن به زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی و گسترش آن است. حکومتی که با نگاه منفعت‌طلبانه و صرفاً برای کسب مقبولیت و تحکیم پایه‌های قدرت، در جستجوی مشارکت سیاسی باشد، دخالت مردم در سیاست را در حد نمادین، پررنگ ولی بی‌مایه و تو خالی برمی‌تابد و در این مسیر از بی‌سوادی، بی‌خبری عمومی، ناآگاهی و ناتوانی شهروندان در درک مسائل سیاسی، بهره می‌برد. وجود چنین تلقی نسبت به مشارکت سیاسی در کارگزاران، از مهم‌ترین آسیب‌های پیش‌روی مشارکت سیاسی در هر حکومتی از جمله جمهوری اسلامی است. البته در بالاترین رده کارگزاری، یعنی مقام ولایت فقیه و رهبری، به دلیل برخورداری از بینش اصیل اسلامی، قطعاً نگاه روشن و راستین به جایگاه مشارکت سیاسی مردم وجود داشته و ترسیم شده است، اما بهره‌مندی کلیه کارگزاران از چنین باور عمیقی محل تأمل است.

حاصل نگاه تکلیف‌محورانه به مشارکت سیاسی در رده کارگزاری این است که کارگزاران ارتقای دانش، آگاهی و بصیرت سیاسی مردم و برچیدن انواع انحرافات فکری و عقیدتی و

اخلاقی را از وظایف خود بدانند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۶) و زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی را به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی و وظیفه‌ای الهی، برای رشد و تربیت جامعه اسلامی و نیز فراهم‌آوردن زمینه خودباوری و شناخت توانمندی‌ها در آحاد مردم (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۴۳) در نظر بگیرند. براین اساس، وضعیت فرضی تحقق ثبات و کارآمدی بدون مشارکت سیاسی آحاد جامعه، وضعیت مطلوبی نخواهد بود.

ج. تقلیل مشارکت سیاسی مطلوب به شرکت حداکثری در انتخابات

بینش دیگری که وجود احتمالی آن در کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، آنان را از مسیر دستیابی به مشارکت سیاسی، منحرف نموده و در ارزیابی آن با خطا مواجه می‌سازد، تقلیل مشارکت سیاسی مطلوب به شرکت حداکثری در انتخابات و غفلت از سایر بایسته‌های آن است. منشأ این تلقی، مواجهه مفهوم مشارکت سیاسی با دشواره «تقلیل‌گرایی مفهومی» است. اغلب نویسندگان این حوزه، در تبیین، بررسی و به‌ویژه ارزیابی مشارکت سیاسی، آن را به مشارکت انتخاباتی تقلیل داده و سایر سطوح را نادیده گرفته‌اند. (رک، شهریاری و تقوی، ۱۳۹۶)

مشارکت سیاسی مطلوب، متوقف بر باور همگانی به آموزه‌های بنیادین اسلامی و التزام به الزامات برآمده از آن بوده و در شکل‌دهی و تداوم بخشی به حاکمیت الهی، جلوه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد که مشارکت انتخاباتی صرفاً فرایندی است برای تحقق یکی از این جلوه‌ها یعنی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومت.

با توجه به این نکته، مشارکت بالا در انتخابات صلاحیت نمایانگری برای تحقق وضعیت مطلوب مشارکت سیاسی در کشور را ندارد و نمی‌توان در یک ارزیابی کامل، به آن بسنده کرد. در فرض مواجهه با تحقق گسترده مشارکت انتخاباتی، اولاً: باید نتیجه آراء یعنی «کیفیت» مشارکت انتخاباتی هم مورد بررسی قرار گیرد، ثانیاً: سنجش میزان تحقق سایر جلوه‌های مشارکت نیز الزامی است؛ چرا که ممکن است مشارکت در سایر سطوح، کم‌رنگ یا به کلی تعطیل بوده و مردم از نقش حمایتی و نظارتی خود نسبت به حکومت، غافل باشند و صرفاً چند سال یک‌بار به امید کسب منافع و نیل به وعده‌های داوطلبان، در انتخابات شرکت کنند.

بر همین اساس مقام رهبری همواره علاوه بر تأکید بر حضور گسترده مردم در انتخابات، (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۳/۱۸ و ۱۳۸۴/۲/۱۷ و ۱۳۹۴/۱۲/۷) سایر بایسته‌های مشارکت سیاسی از جمله رأی‌دهی مسئولانه و انتخاب اصلح، (همو، ۱۳۹۲/۲/۲۵) حضور در صحنه‌های حمایت از نظام اسلامی، (همو، ۱۳۹۷/۴/۹) تبعیت از قوانین، (همو، ۱۳۹۲/۲/۲۵) نظارت بر عملکرد مسئولین، (همو، ۱۳۹۴/۱/۱) ارشاد کارگزاران و مطالبه از آن‌ها (همو، ۱۳۹۷/۳/۷) و بازخواست مسئولین و لزوم پاسخ‌گویی آن‌ها (همو، ۱۳۸۴/۱/۱) را نیز به مردم گوشزد کرده‌اند.

۲-۴. آسیب‌شناسی رفتارهای کارگزاران

موارد متعددی را می‌توان در رفتار کارگزاران رصد کرد که علاوه بر این‌که خود مصداقی از مشارکت سیاسی نامطلوب است، با سلب اعتماد عمومی و ایجاد دل‌سردی و دلزدگی نسبت به نظام اسلامی، انگیزه مشارکت سیاسی فعال و پویا را در شهروندان خاموش کرده و آنان را از ایفای نقش مشارکتی خود باز می‌دارد. در ادامه به بیان برخی از اهم این رفتارهای آسیب‌زا می‌پردازیم.

الف. رقابت ناسالم در پی قدرت‌طلبی

رقابت‌های انتخاباتی از مهم‌ترین عوامل گسیل دهنده مردم به مشارکت در امر سیاست است. در شرایط رقابتی، احزاب و گروه‌ها فعالیت خود را برای بسیج مردم و جلب حمایت و رأی آن‌ها تشدید کرده و این امر به مشارکت بیشتر شهروندان می‌انجامد. (عبدالله، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵) در جمهوری اسلامی ایران نیز هرگاه رقابت‌های انتخاباتی جدی‌تری صورت گرفته است، مردم حضور پرشورتری پای صندوق‌های رأی داشته‌اند. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۴۱)

اما این تأثیرگذاری همیشگی نبوده و همین رقابت‌ها می‌تواند صحنه‌هایی را پدید آورد که مشارکت سیاسی شهروندان را با تهدید مواجه سازد. بخش عمده ارزیابی منفی جامعه نسبت به حاکمان، نتیجه رقابت‌های ستیزآلود و جنگ روانی افراد، گروه‌ها، جریان‌ها و برخی دستگاه‌های رسمی کشور با یکدیگر است. (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶)

قدرت‌طلبی و ریاست‌طلبی صرف، بدون نظر به مصالح جامعه و صلاحیت‌های افراد، مسیر حرکت و رفتار سیاسی اشخاص و گروه‌ها را منحرف ساخته و پدیده‌هایی چون تهاجم

و تخریب و ائتلاف و انشعاب بی‌پشتوانه را به باور می‌آورد. آنچه می‌تواند ائتلاف‌ها و انشعاب‌های مقطعی، پی‌درپی، مبهم و بی‌حاصل را نسبت به روند جلب مشارکت سیاسی زیان‌آور و ویرانگر سازد، تحمیل فشارهای روانی ناشی از آن به آحاد جامعه است که سبب دل‌زدگی آن‌ها شده و زمینه بی‌اعتمادی عمومی را فراهم می‌آورد. (عیوضی، ۱۳۸۵، ب، ص ۱۲۶ و ۱۴۷) همچنین فراگیر شدن تهاجم و تخریب، ارزیابی شهروندان از اهداف اشخاص و گروه‌ها را با تردید مواجه ساخته، این باور را در میان آن‌ها به وجود می‌آورد که کرسی‌های قدرت، نه برای خدمت به مردم و جامعه، بلکه برای رسیدن به سود و منافع فردی و گروهی، دست به دست می‌شود. (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶) از سوی دیگر آراء دوگانه درون‌گروهی و چنددستگی‌های جناحی، خصوصاً اگر پس‌زمینه آن به فضای جامعه و افکار عمومی کشیده شود، سردرگمی پیروان هر یک از جناح‌ها را به دنبال داشته و می‌تواند سبب کاهش تمایل آن‌ها به حضور در پای صندوق‌های رأی و در نتیجه آسیب دیدن مشارکت سیاسی شهروندان شود. (همان، ص ۱۷۷)

آسیب‌زا بودن رقابت ناسالم کارگزاران به تأثیر آن در مشارکت سیاسی سایر شهروندان، محدود نمی‌شود. بلکه هر گونه تلاش افراد برای تصدی مناصب حکومتی، از فعال‌ترین سطوح مشارکت سیاسی است. این تلاش، اگر برخاسته از شهوت ریاست و بدون نظر به اهلیت و برخورداری از صلاحیت باشد، به رقابت ناسالم، تخریب و نزاع می‌انجامد و به‌خودی‌خود مصداقی از مشارکت سیاسی نامطلوب است.

ب. پاسخگو نبودن در برابر مشکلات شهروندان

اهمیت حل مشکلات مردم و وظیفه کارگزاران در این باره بر کسی پوشیده نیست. ساماندهی به وضعیت اقتصاد و معیشت مردم، از مهم‌ترین حقوق مردم بر دولت است. (شریف‌رضی، ۱۴۱۴، ص ۷۹) اهتمام کارگزاران به این وظیفه و عملکرد خدمت‌گزارانه و صادقانه آنان، از مهم‌ترین عوامل دلگرمی مردم و پشتیبانی آن‌ها از نظام اسلامی است. طبعاً شهروندان تا هنگامی از کارگزاران حمایت می‌کنند که دولتمردان، توجه به مشکلات مردم را در همه سطوح در پیش گرفته و آشکار نمایند. مقام رهبری همدلی و وفاداری مردم را نتیجه عملکرد صادقانه

مدیران جامعه دانسته و می‌فرمایند: «مردم وفادار ما، تشنه عمل و صداقت‌اند و هر جا از آن نشانی ببینند، همدلی و همکاری و وفاداری خود را نثار می‌کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲)

در نقطه مقابل هرگاه شهروندان، کارگزاران را بی‌تفاوت نسبت به مشکلات و مشغول به امور دیگر ببینند، از هر گونه مشارکت در جهت حمایت و همراهی آنان دریغ خواهند کرد. در چنین شرایطی با پیدایش گسست میان شهروندان و کارگزاران، نارضایتی مردم و مطالبات روزافزون آن‌ها به‌عنوان اهرمی قوی، نقطه مقابل سیاست‌های دولتمردان قرار می‌گیرد. (حاجی صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵) حضرت علی علیه السلام بی‌توجهی کارگزاران نسبت به آبادانی شهرها را منجر به نارضایتی مردم، قطع مشارکت آن‌ها در تأمین هزینه‌های حکومت و در نهایت نابودی زود هنگام آن می‌دانند. (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۲۶)

امام خمینی (ره) نیز کم‌کاری و ناکارآمدی کارگزاران را منجر به بی‌تفاوت شدن مردم، سلب حمایت آن‌ها از حکومت و زوال آن می‌دانند. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۲۶)

ج. توجیه اشتباهات و جبران نکردن کاستی‌ها

اقرار کارگزاران به اشتباه و خطا و تلاش در جهت جبران آن با تصمیم‌گیری صحیح، نشانه‌ای از صداقت آن‌ها بوده و جلب اعتماد شهروندان و مقبولیت بیشتر در میانشان را به دنبال خواهد داشت. بر اساس رهنمودهای امام خمینی (ره) کارگزاران حکومت اسلامی باید به‌مجرد احراز اشتباه و خطا، از آن بگردند و اقرار به خطا کنند. ایشان توجیه و پافشاری بر امر خطا را موجب نقص کمال انسانی و از دسیسه‌های شیطان می‌دانند. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۷)

اصرار بر توجیه کارهای غلط و دفاع ناشایست و مطلق از مدیران و مسئولان، مشکلات مردم و نظام اسلامی را بیشتر کرده و جرئت نقد و ارزشیابی رفتار و تصمیم‌گیری مدیران را از افکار عمومی سلب می‌کند، مسئولین را در حاشیه امن از اعتراضات مردم قرار داده و سیستم‌های مدیریتی به‌مرور زمان به سمت دیکتاتوری سوق پیدا می‌کنند. یک مدیر لایق و کارآمد، باید شجاعت و صراحت پذیرش عملکرد خود را داشته باشد و اشتباهات خود را از کارنامه عملکرد نظام اسلامی جدا ساخته و در مقام عمل در صدد جبران برآید. (حاجی صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸)

امام خمینی (ره) در مقاطعی اشتباهات مدیران عالی نظام را بر عهده گرفته و بابت آن از پیشگاه ملت عذرخواهی می‌کردند. (رک: خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۴۷۸) رهبری نیز بر همین سیره بوده و گاه با صراحت اعلام کرده‌اند که برخی سیاست‌های اساسی نظام اشتباه بوده و باید جبران شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹) این رفتار رهبران جمهوری اسلامی ایران، درسی برای کلیه کارگزاران نظام است تا عدم شهامت برای پذیرش اشتباه خود را به پای حفظ ابهت نظام و مصالح عالی کشور نگذاشته و با تأسی به این سیره مبارک، در راه اصلاح امور جامعه و حفظ اعتماد شهروندان گام بردارند.

نتیجه‌گیری

۱. مهم‌ترین تمایز مشارکت سیاسی در نظام اسلامی با سایر نظام‌ها در کارویژه و اهداف آن نهفته است. اقدام به مشارکت سیاسی از سوی شهروند جامعه اسلامی و نیز زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی و پذیرش آن توسط حاکم اسلامی، گامی در مسیر «تحقق حکومت الهی» به عنوان یک تکلیف است. مشارکت شهروندان در سیاست، نه ناشی از خواسته‌های فردی و منافع اقتصادی است و نه اقدام به مشارکت دادن مردم در سیاست از سوی حکومت، با نگاه ابزاری و منفعت‌طلبانه و در جهت کسب مقبولیت و صرفاً استحکام پایه‌های قدرت، صورت می‌پذیرد.

۲. در آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی در ساحت تقنین و ساختار به مؤلفه‌هایی دست یافتیم که می‌تواند تحقق مشارکت سیاسی مطلوب را در معرض تهدید قرار دهد. فقدان قانون کارآمد و جامع، وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، تقلیل‌گرایی در کارکرد احزاب، پیچیدگی سازوکارهای مشارکت و کاهش سرمایه‌نخبگی را می‌توان از این زمره دانست.

۳. همچنین در آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی در ساحت کارگزار به بینش‌ها و گرایش‌ها و نیز رفتارهایی برخوردیم که برخورداری کارگزاران جمهوری اسلامی از آن‌ها؛ مانعی برای اصل مشارکت سیاسی بوده و یا تحقق مشارکت سیاسی به وجه مطلوب را با چالش مواجه می‌سازد. مهم‌ترین بینش‌ها و گرایش‌های مزبور عبارتند از نگاه ملوکانه به مردم و سیاست، گرایش منفعت‌طلبانه به مشارکت سیاسی، تلقی امنیت و رفاه به مثابه عامل

اصلی ایجاد مشارکت سیاسی، غفلت از نقش تربیت فکری شهروندان در ایجاد مشارکت سیاسی و در آخر، تقلیل مشارکت سیاسی مطلوب به شرکت حداکثری در انتخابات. مهم ترین رفتارهای آسیب زا از سوی کارگزاران نیز عبارتند از رقابت ناسالم در پی قدرت طلبی، فاصله گرفتن از شهروندان، پاسخگو نبودن در برابر مشکلات شهروندان، عمل نکردن به وعده ها یا دادن وعده های واهی، توجیه اشتباهات و جبران نکردن کاستی ها و در آخر، عدم اطلاع رسانی صحیح و به موقع.

* قرآن کریم

۱. آریان پور، عباس و آریان پور، منوچهر (۱۳۸۷). فرهنگ دانشگاهی. تهران: امیرکبیر.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۴). فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی - فارسی. تهران: مرکز.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. ۱۵ ج، بیروت: دارالفکر.
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب. تهران: قومس.
۵. انصاری، محمدمهدی، و برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). «الگوی پرورش و گزینش نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱۳، ۴۹-۱۱۹.
۶. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: اسراء.
۸. جوادی آملی (۱۳۹۰). نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم. ویراسته‌ی سعید بندعلی، چاپ ششم، قم: اسراء.
۹. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی ارکان انقلاب اسلامی. چاپ سوم، قم: زمزم هدایت.
۱۰. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۷). «استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی، ۲، ۶۹-۹۴.
۱۱. حاجی یوسفی (۱۳۷۶). «رانت، دولت رانتیر و رانتیرسم؛ یک بررسی مفهومی». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۲۵ و ۱۲۵، ۵۵-۱۵۲.
۱۲. (امام) خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹). «انقلاب پویا»، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب). تهران: دانشگاه صنعتی شریف، دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
۱۳. خلوصی، محمدحسین (۱۳۹۵). شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۴. (امام) خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام*. ج ۲۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. (امام) خمینی، سید روح الله (۱۳۶۱). *صحیفه نور*. تهران: مدارک فرهنگی دانشگاه تهران.
۱۶. (امام) خمینی، سید روح الله (۱۳۹۴). *ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی (س)*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. دارابی، علی (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران؛ الگوها و نظریه‌ها*. چاپ پنجم، تهران: سروش (انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران).
۱۸. دال، رابرت (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*. ترجمه‌ی حسین ظفریان، تهران: مترجم.
۱۹. درویشی، فرهاد (۱۳۹۸). «کارویژه احزاب فقط سیاسی و انتخاباتی نیست». *ایران*، ۱۸ فروردین ۱۳۹۸، بخش سیاسی.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۲. رامپوری، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین (۱۳۶۳). *غیاث اللغات*. تهران: امیرکبیر.
۲۳. شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی بر اساس وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۴. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج‌البلاغه*. قم: هجرت.
۲۵. شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹). *نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. شهریاری، ابوالقاسم، و سید محمدعلی تقوی (۱۳۹۶). «بررسی دشواره «تقلیل‌گرایی مفهومی» در روش‌شناسی علوم سیاسی؛ نمونه‌پژوهی: مفهوم مشارکت سیاسی». *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۹۲، ۱۹۵-۲۲۴.

۲۷. عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۱). تحلیل رفتار رأی‌دهی در ایران (مطالعه موردی شهروندان تهرانی در انتخابات سال ۱۳۸۸ - ۱۳۸۷). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). «ابعاد فقهی مشارکت سیاسی (با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی)». مشارکت سیاسی، تهران: سفیر.
۲۹. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵ الف). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵ ب). مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. فارابی، محمد بن محمد (۱۴۲۱). احصاء العلوم. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۳۲. قادری، حاتم (۱۳۷۷). «موانع مشارکت سیاسی در ایران». مشارکت سیاسی، تهران: سفیر.
۳۳. کدیور، محسن (۱۳۷۷). «نسبت تکلیف و توسعه بر اساس شاخص مشارکت سیاسی». مشارکت سیاسی، تهران: سفیر.
۳۴. کریمی، سعید (۱۳۸۰). توسعه سیاسی؛ راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۳۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). «بیگانگی؛ مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی». نامه پژوهش فرهنگی، ش پیش‌شماره ۱، ۸۹-۱۱۰.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. ۳۰ ج، چاپ هشتم، قم: صدرا.
۳۷. مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۴). «سیاست؛ رمزگشایی از یک مفهوم پرابهام». علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ش ۲۹، ۱۱۳-۲۶.
۳۸. میر ترابی، سعید (۱۳۸۴). مسائل نفت ایران. تهران: قومس.
۳۹. میلبرث، لستر، و میل گوئل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه‌ی رحیم ابوالحسنی. تهران: میزان.

۴۰. نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۹). «دولت رانتیر و پروژه تأمین امنیت ملی». *مطالعات راهبردی*، ش ۷ و ۸، ۱۹۷-۲۲۰.
۴۱. نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۵). *فلسفه سیاست*. چاپ یازدهم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۲. نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۳). *نقد و ارزیابی عرفی گرایی در جمهوری اسلامی ایران*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۳. واینر، مایرون (۱۳۸۰). «مشارکت سیاسی: بحران فرایند سیاسی». ترجمه‌ی غلامرضا خواجه سروی، *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۴. یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶). «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی». *رفاه اجتماعی*، ش ۲۶، ۱۰۵-۳۰.

45. Beblawi, Hazem, and Giacomo Luciani. (1987). *The Rentier State*. London: Croom Helm.
46. Marshall, Gordon. (1998). *Dictionary of sociology*. New York: Oxford University Press.

References

1. Āryānpur, 'Abbās, and Manūchehr Āryānpur (1387 SH). *Farhang-e Dāneshgāhī* [University Dictionary], 2 vols. Tehran: Amīr Kabīr (In Persian).
2. Āshūrī, Dāryūsh (1374 SH). *Farhang-e 'Olūm-e Ensānī: Englīsī - Fārsī* [Dictionary of Humanities: English - Persian]. Tehran: Markaz (In Persian).
3. Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram (1414 AH). *Lisān al-'Arab* (In Arabic), 15 vols. Beirut: Dār al-Fikr (In Arabic).
4. Azghandī, 'Alīrezā (1376 SH). *Nākārāmdī-ye Nokhbegān-e Sīyāsī-ye Īrān bēn-e Do Enqelāb* [The Inefficiency of Iran's Political Elites Between Two Revolutions]. Tehran: Qomes (In Persian).
5. Anṣārī, Muḥammad Mahdī, and Ibrāhīm Barzegar (1393 SH). «Olgu-ye Parvareš va Gozīneš-e Nokhbegān-e Sīyāsī dar Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān» [The Model for Cultivation and Selection of Political Elites in the

- Islamic Republic of Iran]. *Pazhūhesh-nāmeḥ-ye Enqelāb-e Eslāmī* [Research Journal of Islamic Revolution], no. 13, pp. 49-119 (In Persian).
6. Ja'farī Tabrīzī, Muḥammad Taqī (1369 SH). *Ḥekmat-e Oṣūl-e Sīyāsī-ye Eslām* [The Wisdom of Islamic Political Principles]. Tehran: Bonyād-e Nahj al-Balāghah (In Persian).
 7. Javādī Āmulī, 'Abdollāh (1378 SH). *Tasnīm: Tafsi'r-e Qur'ān-e Karīm* [Tasnīm: Commentary on the Noble Qur'an]. Qom: Esrā' (In Persian).
 8. Javādī Āmulī, 'Abdollāh (1390 SH). *Nesbat-e Dīn va Donyā: Barresi va Naqd-e Nazariyeh-ye Sekūlārism* [The Relation of Religion and Worldly Affairs: Analysis and Critique of the Theory of Secularism], edited by Sa'id Band'alī, 6th ed. Qom: Esrā' (In Persian).
 9. Ḥājji Šādeqī, 'Abdollāh (1385 SH). *Āsīb-shenāsī-ye Arkān-e Enqelāb-e Eslāmī* [Pathology of the Pillars of the Islamic Revolution], 3rd ed. Qom: Zamzam-e Hedāyat (In Persian).
 10. Ḥājji Yūsefi, Amīr Muḥammad (1377 SH). «Esteqlāl-e nesbī-ye Dowlat yā Jāme'eh-ye Madanī dar Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān» [Relative Autonomy of the State or Civil Society in the Islamic Republic of Iran]. *Motāle'āt-e Rāhbordī* [Strategic Studies], no. 2, pp. 69-94 (In Persian).
 11. Ḥājji Yūsefi, Amīr Muḥammad (1376 SH). «Rānt, Dowlat-e Rāntūr va Rāntūrism; Yek Barresi-ye Mafhūmī» [Rent, Rentier State, and Rentierism; A Conceptual Study]. *Eṭṭelā'āt-e Sīyāsī va Eqtesādī* [Political and Economic Information], nos. 125-126, pp. 152-155 (In Persian).
 12. (Imām) Khāmene'ī, Seyyed 'Alī (1379 SH). «Enqelāb-e Pūyā» [The Dynamic Revolution]. *Āsīb-shenāsī-ye Enqelāb-e Eslāmī (Majmū'eh-ye Maqālāt-e Avvalīn Hamāyesh-e Āsīb-shenāsī-ye Yek Enqelāb)* [Pathology of the Islamic Revolution (Proceedings of the First Conference on Pathology of a Revolution)]. Tehran: Dāneshgāh-e Šan'atī-ye Sharīf, Daftar-e Nahād-e Nemāyandegī-ye Maqām-e Mo'azzam-e Rahbarī (In Persian).
 13. Kholūšī, Muḥammad Ḥusayn (1395 SH). *Shākhesh-e Moshārekate Sīyāsī dar Olgu-ye Pīshraft-e Eslāmī* [The Index of Political Participation in the Islamic Model of Progress]. Qom: Mo'asseseh-ye Āmūzeshī va Pazhūheshī-ye Emām Khomeynī (ra) (In Persian).

14. (Imām) Khomeynī, Seyyed Rūḥollāh (1379 SH). *Ṣaḥīfeh-ye Emām* [The Book of Imam], 22 vols. Tehran: Mo'asseseh-ye Tanzīm va Nashr-e Āṣār-e Emām Khomeynī (ra) (In Persian).
15. (Imām) Khomeynī, Seyyed Rūḥollāh (1361 SH). *Ṣaḥīfeh-ye Nūr* [The Book of Light]. Tehran: Madārek-e Farhangī-ye Dāneshgāh-e Tehrān (In Persian).
16. (Imām) Khomeynī, Seyyed Rūḥollāh (1394 SH). *Velāyat-e Faqīh; Ḥokūmat-e Eslāmī: Taqrīr-e Bayānāt-e Emām Khomeynī (s)* [Guardianship of the Jurist; Islamic Government: Transcription of Imam Khomeini's Statements]. Tehran: Mo'asseseh-ye Tanzīm va Nashr-e Āṣār-e Emām Khomeynī (ra) (In Persian).
17. Dārābī, 'Alī (1388 SH). *Raftār-e Entekhābātī dar Īrān; Olgūhā va Naẓarīyeh-hā* [Electoral Behavior in Iran; Patterns and Theories], 1st vol., 5th ed. Tehran: Soroush (Enteshārāt-e Ṣedā va Sīmā-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān) (In Persian).
18. Dahl, Robert (1364 SH). *Tajziyeh va Tahlīl-e Jadīd-e Sīyāsāt* [Modern Political Analysis], translated by Ḥusayn Zafarīān. Tehran: Motarjem (In Persian).
19. Darvīshī, Farhād (1398 SH). «Kārvījeh-ye Ahzāb faqat Sīyāsī va Entekhābātī nīst» [The Function of Parties Is Not Merely Political and Electoral]. *Īrān* [Iran Newspaper], 18 Farvardīn 1398, Political Section (In Persian).
20. Dehkhodā, 'Alī-Akbar (1373 SH). *Lughat-nāmeḥ* [Dehkhoda Dictionary]. Tehran: Dāneshgāh-e Tehrān (In Persian).
21. Rush, Michael (1377 SH). *Jāme'eh va Sīyāsāt: Moqaddameh-ī bar Jāme'eh-shenāsī-ye Sīyāsī* [Society and Politics: An Introduction to Political Sociology], translated by Manūchehr Ṣabūrī. Tehran: Sāzmān-e Motāle'eh va Tadvīn-e Kotob-e 'Olūm-e Ensānī-ye Dāneshgāhhā (SAMT) (In Persian).
22. Rāmpūrī, Ghiyāṣ al-Dīn Muḥammad ibn Jalāl al-Dīn (1363 SH). *Ghiyās al-Lughāt* [Ghiyas of Languages]. Tehran: Amīr Kabīr (In Persian).
23. Shabān-nīyā, Qāsim (1390 SH). *Āsīb-shenāsī-ye Enqelāb-e Eslāmī bar Asās-e Vaṣīyat-nāmeḥ-ye Sīyāsī - Elāhī-ye Emām Khomeynī (ra)* [Pathology of the Islamic Revolution Based on the Political-Divine Testament of Imam Khomeini (ra)]. Qom: Mo'asseseh-ye Āmūzeshī va Pazhūheshī-ye Emām Khomeynī (ra) (In Persian).
24. Sharīf al-Raḍī, Muḥammad ibn Ḥusayn (1414 AH). *Nahj al-Balāghah* (In Arabic). Qom: Hijrat (In Arabic).

25. Shakkārī, ‘Abd al-Qayyūm (1379 SH). *Nazarīyeh-ye Dowlat-e Taḥşildār va Enqelāb-e Eslāmī* [The Theory of the Rentier State and the Islamic Revolution]. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī (In Persian).
26. Shahriyārī, Abolqāsim, and Seyyed Muḥammad ‘Alī Taqavī (1396 SH). «Barresī-ye Doshvāreh-ye "Taqlīl-garāyī-ye Mafhūmī" dar Ravesh-shenāsī-ye ‘Olūm-e Sīyāsī; Nemūneh-Pazhūheshī: Mafhūm-e Moshārekate Sīyāsī» [Examining the Dilemma of "Conceptual Reductionism" in Political Science Methodology; Case Study: The Concept of Political Participation]. *Ravesh-shenāsī-ye ‘Olūm-e Ensānī* [Methodology of Humanities], no. 92, pp. 195-224 (In Persian).
27. ‘Abdollāh, ‘Abd al-Muṭṭalib (1391 SH). *Tahlīl-e Raftār-e Ra’y-dehī dar Īrān (Motāle‘eh-ye Mowredī-ye Shahrvandān-e Tehrānī dar Entekhābāt-e Sāl-e 1387 - 1388)* [Analysis of Voting Behavior in Iran (Case Study of Tehrani Citizens in the 2008-2009 Elections)]. Tehran: Dāneshgāh-e Emām Ṣādeq (as) (In Persian).
28. ‘Amīd Zanjānī, ‘Abbās‘alī (1377 SH). «Ab‘ād-e Feqhī-ye Moshārekate Sīyāsī (bā Ta’kīd bar Qānūn-e Asāsī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī)» [Jurisprudential Dimensions of Political Participation (Emphasizing the Constitution of the Islamic Republic)]. *Moshārekate Sīyāsī* [Political Participation], Tehran: Safīr (In Persian).
29. ‘Eyvazī, Muḥammad Raḥīm (1385 SH a). *Āsīb-shenāsī-ye Enqelāb-e Eslāmī* [Pathology of the Islamic Revolution]. Tehran: Pazhūheshgāh-e Farhang va Andīsheh-ye Eslāmī (In Persian).
30. ‘Eyvazī, Muḥammad Raḥīm (1385 SH b). *Moshārekate Sīyāsī dar Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān* [Political Participation in the Islamic Republic of Iran]. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī (In Persian).
31. Fārābī, Muḥammad ibn Muḥammad (1421 AH). *Iḥşā’ al-‘Ulūm* [Enumeration of the Sciences] (In Arabic). Beirut: Dār wa Maktabat al-Hilāl (In Arabic).
32. Qādrī, Ḥātem (1377 SH). «Mavāne‘-e Moshārekate Sīyāsī dar Īrān» [Obstacles to Political Participation in Iran]. *Moshārekate Sīyāsī* [Political Participation], Tehran: Safīr (In Persian).
33. Kadīvar, Moḥsen (1377 SH). «Nesbat-e Taklīf va Towse‘eh bar Asās-e Shākhes-e Moshārekate Sīyāsī» [The Relation of Duty and Development Based on the Index of Political

- Participation]. *Moshārekate Sīyāsī* [Political Participation], Tehran: Safīr (In Persian).
34. Karīmī, Sa'īd (1380 SH). *Towse'eh-ye Sīyāsī; Rāh-hā-ye Taqwīyat-e Moshārekate Mardom dar Şahneh-hā-ye Sīyāsī va Ejtemā'ī* [Political Development; Ways to Strengthen People's Participation in Political and Social Arenas]. Tehran: Markaz-e Pazhūhesh-hā-ye Eslāmī-ye Şedā va Sīmā (In Persian).
 35. Maḥsūnī Tabrīzī, 'Alīrezā (1375 SH). «Bīgānegī; Māne'ī barāye Moshārekate va Towse'eh-ye Mellī: Barresī-ye Rābeṭeh-ye Mīyān-e Bīgānegī va Moshārekate Ejtemā'ī va Sīyāsī» [Alienation; An Obstacle to Participation and National Development: Examining the Relationship Between Alienation and Social and Political Participation]. *Nāmeḥ-ye Pazhūhesh-e Farhangī* [Cultural Research Letter], no. Preliminary 1, pp. 89-110 (In Persian).
 36. Muṭahharī, Murtaẓā (1372 SH). *Majmū'eh-ye Āşār-e Ostād-e Shahīd Muṭahharī* [Collected Works of the Martyred Professor Muṭahharī], 30 vols., 8th ed. Qom: Şadrā (In Persian).
 37. Moqīmī, Gholām Ḥusayn (1384 SH). «Sīyāsāt; Ramz-goshāyī az Yek Mafhūm-e Por-e Ebḥām» [Politics; Deciphering an Ambiguous Concept]. *'Olūm-e Sīyāsī - Dāneshgāh-e Bāqir al- 'Ulūm (as)* [Political Sciences - Baqir al-Uloom University], no. 29, pp. 113-126 (In Persian).
 38. Mīr Torābī, Sa'īd (1384 SH). *Masā'el-e Naft-e Īrān* [Issues of Iran's Oil]. Tehran: Qomes (In Persian).
 39. Milbrath, Lester, and M. L. Goel (1386 SH). *Moshārekate Sīyāsī* [Political Participation], translated by Raḥīm Abolḥasanī. Tehran: Mīzān (In Persian).
 40. Naşrī Mashkīnī, Qadīr (1379 SH). «Dowlat-e Rāntīr va Projeh-ye Ta'mīn-e Amnīyat-e Mellī» [Rentier State and the National Security Provision Project]. *Motāle'āt-e Rāhbordī* [Strategic Studies], nos. 7-8, pp. 197-220 (In Persian).
 41. Nūrūzī, Muḥammad Javād (1385 SH). *Falsafeh-ye Sīyāsāt* [Philosophy of Politics], 11th ed. Qom: Mo'asseseh-ye Āmūzeshī va Pazhūheshī-ye Emām Khomeynī (ra) (In Persian).
 42. Nūrūzī, Muḥammad Javād (1393 SH). *Naqd va Arzeyābī-ye 'Orfī-garāyī dar Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān* [Critique and Evaluation of Secularism in the Islamic Republic of Iran]. Qom: Pazhūheshgāh-e 'Olūm va Farhang-e Eslāmī (In Persian).

43. Weiner, Myron (1380 SH). «Moshārekate Sīyāsī: Bohrān-e Farāyand-e Sīyāsī» [Political Participation: Crisis of the Political Process], translated by Gholāmrezā Khvājah Sarvī. *Bohrān-hā va Tavāli-hā dar Towse 'eh-ye Sīyāsī* [Crises and Sequences in Political Development], Tehran: Pazhūheshkadeh-ye Motāle'āt-e Rāhburdī (In Persian).
44. Yazdān-panāh, Lailā (1386 SH). «Mavāne' -e Moshārekate Ejtemā'ī-ye Shahrvandān-e Tehrānī» [Obstacles to Social Participation of Tehrani Citizens]. *Refāh-e Ejtemā'ī* [Social Welfare], no. 26, pp. 105-130 (In Persian).